

بررسی قواعد حاکم بر تخریب میراث فرهنگی در مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی با تأکید بر عملکرد داعش

سیدحسام‌الدین لسانی^{۱*}، یلدا نقی‌زاده^۲

چکیده

با افزایش درگیری‌های داخلی درون مرزهای حاکمیتی کشورها و گسترش روزافزون مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی پس از جنگ جهانی دوم، میراث فرهنگی کشورها نیز از حملات نظامی مصون نماندند. نمونه بارز این مدعا، حملات هدفمند دولت اسلامی عراق و شام موسوم به داعش به میراث فرهنگی کشورهای عراق و سوریه است. نخستین گام‌ها در راستای حمایت مؤثر از اموال فرهنگی با تدوین کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه برداشته شد، لیکن بیشتر کنوانسیون‌های منعقد شده، بر مخاصمات مسلحانه بین‌المللی حاکم‌اند و جنبه غیربین‌المللی آن کمتر قاعده‌مند شده است. در این مقاله با استفاده از شیوه توصیفی-تحلیلی سعی می‌شود با بررسی مهم‌ترین اسناد بین‌المللی مرتبط با بحث حمایت از میراث فرهنگی، ضمن تمرکز بر ابعاد ضمانت اجرایی و حمایتی اسناد مذکور، ضعف قواعد و ساختاری این حوزه مورد عنایت قرار گیرد. به‌طور مسلم، تدوین و توسعه قواعدی با الزام بیشتر و ایجاد چارچوب حمایتی جامع‌تر برای اموال فرهنگی اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد.

کلیدواژگان

اموال فرهنگی، حمایت، داعش، سوریه، عراق، کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه، مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی.

۱. استادیار، دانشگاه حضرت معصومه (س)، قم، ایران (نویسنده مسئول).
Email: h.lesani@hmu.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قم، قم، ایران.
Email: yaldanaghizadeh@gmail.com

مقدمه

مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی پس از جنگ جهانی دوم به‌طور نگران‌کننده‌ای افزایش داشته است و شاید به جرأت بتوان گفت که امروزه بیشتر جنگ‌های شعله‌ور شده در جهان را این نوع مخصوصات تشکیل می‌دهند. در واقع شکل رایج و سنتی مخصوصات که اغلب میان کشورها بود، با ظهور بازیگران جدیدی تحت عنوان شورشیان و گروه‌های مسلح سازمان‌یافته غیردولتی در درون مرزهای کشورها و حوزه حاکمیتی هر کشور تحت مخصوصات مسلحانه غیربین‌المللی تغییر ماهیت داده است. امروزه بارزترین نمونه آن را در درگیری داعش (دولت اسلامی عراق و سوریه) با دولت سوریه شاهدیم.

طی ماه‌های آغازین مخصوصات مسلحانه در سوریه، توجهات بین‌المللی به‌طور همه‌جانبه‌ای بر ابعاد فاجعه انسانی قضیه متمرکز بود. اما از آنجا که درگیری‌ها با همان شدت و حدت خود ادامه یافت، به تدریج کانون توجهات به دیگر جنبه‌های این مخصوصات از جمله گسترش تعارضات به میراث فرهنگی سوریه معطوف شد که برخی اوقات به‌صورت سنجیده و حساب‌شده و گاهی بر اثر درگیری‌های مسلحانه غیرمفند میان طرفین حادث می‌شد. مخصوصات مسلحانه در سوریه، گسترده‌ترین موج ویرانی علیه میراث فرهنگی چه در بعد بین‌المللی و چه غیر بین‌المللی از زمان جنگ‌های دهه ۱۹۹۰ بالکان و احتمالاً از زمان جنگ جهانی دوم تاکنون به‌شمار می‌آید.

کشورهای عراق و سوریه و دیگر اراضی به‌محاصره درآمده توسط داعش در منطقه، مهد برخی از تمدن‌های اولیه بوده‌اند که متعاقباً به‌عنوان مراکز مهم جهان اسلام مطرح شده و بدین ترتیب دارای ارزش شگرفی در حوزه اموال فرهنگی به‌شمار می‌آیند. داعش به تخریب مساجد، معابد، کلیساها، تندیس‌ها، مقبره‌ها و دیگر اماکن مذهبی و باستانی در سراسر منطقه به‌عنوان بخشی از تلاش‌های در دست اقدام خود برای تأسیس خلافت بنیادگرای مذهبی پرداخت و بر برتری اعتقادی و مذهبی خود از طریق اعمال خشونت و بربریت اصرار ورزید (Bowker, Goodall, Haciski, 2016:1). با ادامه تخریب اموال فرهنگی و آثار باستانی توسط ستیزه‌جویان داعش در عراق و گسترش موج آن به سوریه، جامعه جهانی به این مهم عکس‌العمل نشان داد و این اقدامات با محکومیت گسترده‌ای همراه شد، چنانکه دبیرکل سازمان علمی، فرهنگی و تربیتی ملل متحد (یونسکو)، خانم ایرینا بوکوا^۱ این فاجعه را «پاکسازی فرهنگی» تعبیر کرد.

1. Irina Bokova
2. "Cultural Cleansing"

ایرینا بوکوا، دبیر کل سازمان یونسکو در واکنش به تخریب گسترده اموال و میراث فرهنگی در سوریه و عراق، اظهار کرد داعش در خاورمیانه دست به «پاکسازی فرهنگی» زده است تا دگراندیشان را بی‌تاریخ و بی‌هویت جلوه دهد.

در جریان تخریب و سوءاستفاده وسیع و گسترده اموال فرهنگی طی جنگ جهانی اول و دوم و بروز ضعف بنیادین کنوانسیون‌های لاهه در حمایت از اموال فرهنگی، نیاز به نظام حمایتی قاطعانه‌تری بالأخص در خصوص پیش‌بینی سازوکارهای مجازات تخریب‌گران میراث فرهنگی احساس می‌شد؛ تا اینکه این خلأ، با تصویب کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه^۱ و پروتکل‌های الحاقی به کنوانسیون مذکور تا حدودی مرتفع شد. به هر حال بیشتر پیشرفت‌های صورت‌گرفته در این خصوص به حمایت بیشتر از اموال فرهنگی در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی محدود می‌شد. در مقابل، حمایت از اموال فرهنگی در مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی که موضوع بحث اصلی این پژوهش است، به دلیل بی‌رغبتی و عدم تمایل کشورهای ذی‌نفع جهت اجازه دادن برای تدوین و تنظیم قواعدی بین‌المللی در خصوص خشونت‌های داخلی، با رویکردی ضعیف همراه بوده است. در واقع این برداشت که ایجاد سازوکارهای حقوقی در این زمینه می‌تواند تجاوز به حریم حاکمیتی یک کشور و دولت را به‌همراه داشته باشد و مداخله در موضوعات داخلی یک کشور محسوب می‌شود، همواره با اقبال عمومی دولت‌ها همراه نشد. از آنجا که گروه داعش به‌عنوان یک بازیگر غیردولتی بر قسمت‌هایی از عراق و سوریه کنترل داشته و با دولت‌های مرکزی این دو کشور در وضعیت مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی به سر می‌برد، بحث حمایت از اموال فرهنگی و آثار باستانی و حقوق حاکم بر آن در این نوع مخاصمات با استفاده از روش‌های توصیفی-تحلیلی در این مقاله، بررسی می‌شود.^۲

سؤال اصلی که طی این پژوهش به آن پرداخته خواهد شد بررسی این رویکرد است که چه سازوکارهای حقوقی برای حمایت از میراث فرهنگی در وضعیت مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی مناسب‌تر است؟ و سؤالات فرعی در این زمینه پاسخی به مسائل مطروحه در این حوزه است که آیا نیاز به توسعه و تکوین قواعد حمایتی بیشتر در این عرصه، احساس می‌شود؟ استناد به حقوق بین‌المللی بشردوستانه عرفی تا چه اندازه جامعه بین‌المللی را در حمایت از اموال فرهنگی در جریان مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی یاری می‌رساند؟ در بخش اول این مقاله «قواعد خاص حمایت از اموال فرهنگی در مخاصمات مسلحانه (با

← اصطلاح «پاکسازی فرهنگی» به راهبردی بین‌المللی اشاره می‌کند که درصدد تخریب تنوعات و گوناگونی‌های فرهنگی از طریق هدف قراردادن عمدی گروه‌های شناسایی شده براساس زمینه‌های فرهنگی، قومی یا مذهبی آنها با استفاده از حملات هدفمند به عبادتگاه‌ها، یادبودها و مراکز آموزشی و فرهنگی آنهاست. قابل مشاهده در پایگاه اینترنتی: <http://www.unesco.org/culture/pdf/iraq-syria/IraqSyriaReport-en.pdf>

۱. کنوانسیون حمایت و حفاظت از اموال فرهنگی (۱۹۵۴)
Convention for the Protection of Cultural Property in the Event of Armed Conflict with Regulations for the Execution of the Convention 1954

۲. در جولای ۲۰۱۲، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ به این نتیجه نائل شد که وضعیت حاکم در سوریه، تشکیل‌دهنده یک مخاصمه مسلحانه غیربین‌المللی است.

تأکید بر مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی» و نیز قطعنامه‌های شورای امنیت در ذیل بخش مذکور و در بخش دوم «قواعد عمومی عرفی حاکم بر مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی» در رابطه با حمایت از اموال فرهنگی بررسی خواهد شد. پیش از ورود به مباحث اصلی مقاله، مروری اجمالی بر وضعیت حادث شده در سوریه و عراق در زمینه تخریب میراث فرهنگی دو کشور مذکور خواهیم داشت.

مروری اجمالی بر تخریب میراث فرهنگی در سوریه و عراق

مخاصمات سوریه که وارد هفتمین سال خود شده به آسیب و تخریب چشمگیری در میراث فرهنگی این کشور از جمله آسیب به همه شش آثار ثبت شده^۱ در فهرست میراث جهانی یونسکو و یازده مکان در فهرست آزمایشی^۲ این سازمان انجامیده است. در ژوئن ۲۰۱۳، کمیته میراث جهانی سازمان یونسکو طی اتخاذ تصمیمی استثنایی و فوق‌العاده همه شش سایت باستانی مذکور را در فهرست آثار در خطر^۳ قرار داد.

از تمام شش مکان باستانی ملحوظ در میراث جهانی، حلب^۴ به‌عنوان شهری که صحنه نبرد میان نیروهای دولتی و جنگجویان نظامی طرف مقابل از سپتامبر ۲۰۱۲ بوده، به شدت آسیب دیده است. شهر باستانی حلب که قدمت آن به دو هزار سال قبل از میلاد مسیح می‌رسد، به‌عنوان یک مکان میراث جهانی، موقعیت کم‌نظیر و منحصر به فردی تحصیل کرده است. یکی از آسیب‌های جدی وارده به این شهر، تخریب بازارهای قدیمی مربوط به دوره میانی و قرون وسطی بود که در بحبوحه آتش جنگ طرفین رخ داد. به‌ویژه استفاده از بمب‌های تونلی که مرسوم‌ترین شیوه جنگی داعش به‌شمار می‌آید، به خسارات شایان توجه و تخریب سازه‌های تاریخی و بناهای مذهبی منجر شده است (Arimatsu & Choudhary, 2015: 658).

از مهم‌ترین آثار باستانی تخریب شده در سوریه، مکان باستانی واقع در شهر تدمر (پالمیرا)^۵

۱. شهر باستانی داماسکوس (دمشق امروزی)، شهر تاریخی بصره، سایت باستانی پالمیرا، شهر قدیمی آلیو (حلب)، قلعه باستانی «کرک دشوالبه» و قلعه صلاح‌الدین و روستاهای تاریخی شمال سوریه. قابل مشاهده در سایت:

<http://en.unesco.org/syrian-observatory/built-heritage>

2. Tentative List

۳. براساس بند ۴ ماده ۱۱ کنوانسیون یونسکو در خصوص حمایت از میراث فرهنگی و طبیعی جهان، بعضی از اموال بارزش فرهنگی و باستانی به تشخیص کمیته میراث جهانی در فهرست در خطر این سازمان قرار گرفته است. تاکنون ۵۵ مورد شناسایی شده در جهان در فهرست یادشده قرار گرفته‌اند.

List of "World Heritage in danger" in accordance with Article 11 (4) of the Convention concerning the Protection of the World Cultural and Natural Heritage.

4. Aleppo

۵. تدمر در ۳۴ مایلی شهر داماسکوس قرار گرفته و با مبادین نفت و گاز احاطه شده است که زیستگاه‌های غربی دولت را با مقادیر زیادی از برق خود تأمین می‌کنند. همچنین پایگاه هوایی عظیمی در نزدیکی این شهر قرار دارد.

است. از اوایل سال ۲۰۱۲، درگیری‌های مسلحانه میان دولت و مخالفان در اطراف ویرانه‌های پالمیرا شکل گرفت. پالمیرا در سال ۱۹۸۰ در فهرست میراث جهانی قرار گرفت و طبق حقوق آثار باستانی به‌عنوان یک بنای تاریخی ملی توسط دولت سوریه تعیین شد.^۱ این بنای تاریخی که از آن به‌عنوان «بهشتی در صحرای سوریه»^۲ تعبیر شده، شامل ویرانه‌های تاریخی شهر عظیمی است که قدمت آن به سده اول میلادی می‌رسد و از مهم‌ترین مراکز فرهنگی جهان باستان به‌شمار می‌آید (Site of Palmyra, UNESCO:2015).

عراق نیز به‌مانند سوریه از حملات ددمنشانه داعش در امان نمانده است. تخریب آثار باستانی واقع در موزه موصل عراق^۳ یک تراژدی فرهنگی برای این کشور و هم برای جامعه بین‌المللی به‌شمار می‌رود. عراق همواره مهد تمدن بوده است. از چهار میراث فرهنگی ثبت‌شده عراق در فهرست میراث جهانی یونسکو، سه مکان در فهرست خطر قرار دارند: آشور، سامرا و هترا.^۴ اقدامات مخرب داعش در عراق به ویران‌سازی آثار ارزشمند فرهنگی این کشور، از جمله تخریب مسجد و معبد حضرت یونس و همچنین مزار و مسجد منسوب به حضرت جرجیس در شمال عراق و غارت موزه موصل و کتابخانه مرکزی شهر و تخریب صدها هزار کتاب و نسخه‌های خطی با ارزش مربوط به دوره عثمانی منجر شده است (Arimatsu & Choudhury, 2015:658).

قواعد خاص حمایت از اموال فرهنگی در مخاصمات مسلحانه

(با تأکید بر مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی)

۱. حمایت از میراث فرهنگی در اسناد بین‌المللی

اسناد بین‌المللی مورد بررسی در این مقاله، شامل کنوانسیون‌های لاهه ۱۹۵۴، پروتکل‌های الحاقی ۱۹۷۷ به کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹، پروتکل دوم الحاقی ۱۹۹۹ به کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه و قطعنامه‌های شورای امنیت می‌شود.

۲. پیشنهادی بر حمایت از اموال فرهنگی در اسناد بین‌المللی

تلاش و عزم برای حفاظت و حمایت از اموال فرهنگی و آثار باستانی به اواخر نیمه دوم قرن

1. Site of Palmyra, <http://whc.unesco.org/en/list/23>

2. "An oasis in the Syrian desert"

3. Destruction of Cultural Heritage, Global Policy Forum, available at: <https://www.globalpolicy.org/humanitarian-issues-in-iraq/consequences-of-the-war-and-occupation-of-iraq/destruction-of-iraqs-cultural-heritage.html>

4. Ashur, Samarra and Hatra

نوزدهم بازمی‌گردد، هنگامی که کشورها شروع به تدوین قواعدی به‌منظور محدود کردن آثار زیانبار جنگ‌ها کردند. در واقع اولین مساعی صورت‌گرفته در عرصهٔ جامعهٔ بین‌المللی به‌منظور حمایت از اموال فرهنگی، با تدوین قوانینی در این زمینه به‌وسیلهٔ فرانسیس لیبر و در قالب دستورالعمل‌هایی^۱ برای تشکیلات ارتش ایالات متحده تحت عنوان «کد لیبر»^۲ صورت پذیرفت. مجموعه قوانین مذکور سنگ بنایی برای توافقات بعدی در حمایت از اموال فرهنگی از جمله کنوانسیون‌های ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ لاهه شد. کنوانسیون ۱۸۹۹ لاهه با توجه به قوانین و عرف‌های جنگ زمینی، اولین معاهدهٔ رسمی بین‌المللی بود که برخی حمایت‌ها را برای اموال فرهنگی مقرر کرده بود.^۳ متعاقب آن کنوانسیون ۱۹۰۷ لاهه حمایت از ساختمان‌های اختصاص داده شده به امور مذهبی، هنری، علمی یا عام‌المنفعه، بناهای تاریخی، بیمارستان‌ها و هر مکانی دیگری که بیماران و افراد زخمی در آنجا نگهداری می‌شوند... را مطرح کرد (Howe, 2012:406).

در پی فجایع خانمان‌سوز دو جنگ جهانی و ناکارآمدی کنوانسیون‌های موجود از منظر حمایت از آثار تاریخی، در سال ۱۹۵۰ دبیرکل یونسکو، گردهمایی متشکل از کارشناسان برای تهیهٔ پیش‌نویس کنوانسیون حمایت از اموال فرهنگی برگزار کرد که در نهایت به تدوین کنوانسیون ۱۹۵۴ حمایت از اموال فرهنگی در زمان مخاصمات مسلحانه منجر شد. در میان سایر اسناد بین‌المللی حمایت‌کننده در این زمینه، اولین کاربرد اصطلاح اموال فرهنگی را به‌طور خاص می‌توان در کنوانسیون ۱۹۵۴ مشاهده کرد (Sheng, 2008:23). کنوانسیون اموال فرهنگی مهم‌ترین سند حقوق بین‌الملل در حوزهٔ حمایت از اموال و اماکن فرهنگی محسوب می‌شود و در ماده (۱) اموال فرهنگی را شامل آثار معماری، هنری یا تاریخی اعم از مذهبی یا غیرمذهبی معرفی کرده است؛ ضمن آنکه حمایت از اموال مزبور را نیز منوط به این امر ساخته که برای میراث فرهنگی ملت‌ها واجد اهمیت باشند (قاسمی، ۱۳۹۳: ۸۱). شایان ذکر است کنوانسیون مذکور قابل اعمال هم برای مخاصمات مسلحانهٔ بین‌المللی و هم از نوع غیر بین‌المللی است. همچنین فارغ از برخی کاستی‌های کنوانسیون مذکور، باید این سند را نقطهٔ عطف و اولین معاهده‌ای دانست که کاربرد قواعد مربوط به اقدامات خشونت‌آمیز را به مخاصمات مسلحانهٔ غیر بین‌المللی توسعه داده است.

کنوانسیون ۱۹۷۰ یونسکو تحت عنوان «اتخاذ تدابیر لازم در خصوص ممنوعیت و جلوگیری از ورود، خروج و انتقال غیرقانونی مالکیت اموال فرهنگی» که هم عراق و هم سوریه

۱. کد لیبر ۱۵۷ ماده دارد که مواد ۳۶-۳۴ آن به حمایت از اموال فرهنگی می‌پردازد. کد لیبر اولین تلاش‌ها برای وضع مجموعهٔ جامع اصول حاکم بر رفتار متخاصمان در قلمرو سرزمینی دشمن در حمایت از اموال فرهنگی بود.
2. Lieber Code

۳. مواد ۲۸ و ۴۷ غارت و تاراج اموال فرهنگی را ممنوع کرده و مادهٔ ۵۶ مقرر می‌کند که با همهٔ اموال هنری و علمی بایستی همانند مال خصوصی رفتار گردد و تصرف، توقیف یا تخریب چنین اموالی ممنوع است.

همراه با ۱۲۷ کشور دیگر عضو آن هستند، زمینه اخلاقی قدرتمندی را در خصوص خاتمه غارت و تاراج غیرقانونی و تجارت اموال فرهنگی مقرر می‌کند. از جمله نکات شایان توجه در این کنوانسیون این است که موزه‌ها و نهادهای فرهنگی کشورهای متعاقد باید موافقت کنند در قلمرو سرزمینی خود از تحویل اموال فرهنگی سرقت‌شده از سایر کشورها و با تضمین استرداد آنها به مالکان قانونی خودداری ورزند. مورد دیگر آنکه، کشور متعاهدی که میراث فرهنگی آن در خطر غارت اشیای باستانی و قومیت‌های دیرین است، می‌تواند از سایر کشورهای متعاقد جهت جلوگیری از چنین ضرر و آسیب‌هایی، طلب یاری کند و کشورهای متعاقد به کنوانسیون موظف به مشارکت در یک تلاش منسجم و هماهنگ بین‌المللی برای تعیین و انجام اقدامات مورد نیاز جهت جلوگیری از این مهم هستند. این کنوانسیون نیز برای هر مخاصمه‌ای هم بین‌المللی و هم غیربین‌المللی قابل اعمال است (Bowker, Goodall, Haciski, 2016: 2).

پروتکل دوم الحاقی ۱۹۹۹ به کنوانسیون میراث فرهنگی در حمایت از اموال فرهنگی در زمان مخاصمات مسلحانه و در پی تکمیل نواقص کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه به تصویب رسید. پروتکل دوم چنانکه در مقدمه آن هم آمده، برای تکمیل و نه جایگزین شدن مفاد معاهده ۱۹۵۴، ظاهراً از طریق اقداماتی برای تقویت اجرای مفاد آن معاهده در نظر گرفته شده است. در خصوص قلمرو اجرایی این پروتکل باید متذکر شد که هم در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و هم در مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی بدون تفکیک اجرا می‌شود (لسانی، ۱۳۹۵: ۲۴۱).

۳. حمایت از اموال فرهنگی در مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی

در این مبحث پیش از ورود به بحث اصلی، ذکر این نکته لازم است که حقوق قابل اعمال در مخاصمات مسلحانه بستگی تام به این مهم دارد که آیا جنگ با نظامیان داعش به‌عنوان یک مخاصمه از نوع بین‌المللی مطرح است یا از ویژگی‌های یک مخاصمه غیر بین‌المللی^۱ برخوردار است؟ به عبارتی ماهیت داعش و به تبع آن قواعد موضوعه حاکم بر آن چیست؟ در قضیه احمد سالم حمدان در مقابل رامسفلد^۲، دیوان عالی ایالات متحده تفسیر کرد که یک مخاصمه

۱. منظور از درگیری‌های مسلحانه غیربین‌المللی، جنگ‌هایی است که در یک طرف آن نیروهای مسلح مخالف دولت و در طرف دیگر نیروهای مسلح دولتی قرار دارند. البته این نیروهای مسلح مخالف دولت باید سازمان‌یافته و دارای فرماندهی مسئول باشند. پیش از این پروتکل دوم الحاقی ۱۹۷۷، مقرر می‌داشت که این گروه مسلح باید کنترل بخشی از سرزمین کشور را هم در دست داشته باشند، اما اینک این ضابطه تغییر کرده و اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری که در سال ۱۹۹۸ به تصویب رسیده، بیانگر آن است که داشتن کنترل بر بخشی از سرزمین لازم نیست و فقط کافی است که درگیری این گروه مخالف با دولت، مدتی طولانی در جریان باشد.

1. Hamdan v. Rumsfeld Case

مسلحانه با برخورداری از ویژگی بین‌المللی، هر گونه برخورد و درگیری میان دولت‌ها را شامل می‌شود. در این زمینه دیوان تعیین کرد که مخاصمات مسلحانه ایالات متحده با القاعده، برخوردی علیه یک سازمان تروریستی و نه جنگی میان دولت‌ها بوده و از این رو نتیجه‌گیری کرد که از ویژگی بین‌المللی برخوردار نیست. به‌غیر از این، مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی ویژگی‌هایی دارد که آن را از نوع مخاصمات بین‌المللی متمایز می‌گرداند و آن زمانی است که شورشیان کنترل بخشی از سرزمین را به‌عهده بگیرند و به‌صورت منظم و سازماندهی‌شده به جنگ علیه دولت مرکزی بپردازند. به همین ترتیب، مخاصمات مسلحانه با داعش (به‌عنوان یک گروه سازمان‌یافته غیردولتی - بازیگران غیردولتی) در عراق و سوریه واجد وصف بین‌المللی نیست و در زمره مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی قرار می‌گیرد (کولب و هاید، ۱۳۹۳: ۱۱۵). در واقع داعش یک گروه مسلحانه غیردولتی است که با اقدامات تروریستی خویش و ایجاد رعب و وحشت توانسته بخشی‌هایی از خاک عراق و سوریه را تحت کنترل خود درآورد و بر جمعیت ساکن در آن مناطق حکمرانی کند. با این حال، با نگاهی به معیارهای تشکیل‌دهنده دولت در حقوق بین‌الملل معاصر از خلال رویه، نظریه و اعمال معیارهای مزبور بر خلافت اسلامی، می‌توان به این نتیجه رسید که نهاد مزبور فاقد برخی معیارهای ضروری برای تشکیل دولت است (زمانی، ۱۳۹۴: ۱۲۹-۱۲۸).

در سال‌های اخیر با توجه به افزایش نگران‌کننده مخاصمات مسلحانه که یک طرف آن را عوامل غیردولتی تشکیل می‌دهند و با توجه به فقر قانونی جامعه بین‌المللی از حیث چارچوب حقوقی قابل اعمال بر عوامل مذکور، این سؤال مطرح می‌شود که آیا در چارچوب اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی تدوین‌شده در زمینه حمایت از میراث فرهنگی، قواعد قابل اعمالی در خصوص مخاصمات مسلحانه از نوع غیر بین‌المللی در این زمینه وجود دارد یا خیر؟ در ذیل به ترتیب به مواد لحاظ‌شده در خصوص نوع مخاصمات در کنوانسیون‌ها و اسناد مرتبط می‌پردازیم:

۳.۱. کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه در حمایت از اموال فرهنگی در مخاصمات مسلحانه

بین‌المللی و غیر بین‌المللی

در کنوانسیون‌های ۱۹۵۴ لاهه در بند ۱ ماده ۴ و در بند ۱ ماده ۱۹ به حمایت از اموال فرهنگی در زمان مخاصمات مسلحانه بین‌المللی پرداخته شده است.

۳.۱.۱. بند ۱ ماده ۴ کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه

«کشورهای معظم متعاهد، متعهد می‌گردند با احترام به اموال فرهنگی واقع‌شده در قلمرو سرزمینی‌شان علاوه بر قلمرو دیگر کشورهای متعاهد، از هر گونه استفاده از اموال و فضای

نزدیک آنها یا استفاده از ادوات رایجی که به منظور نیل به اهداف نظامی آنها، سبب آسیب و تخریب به این اموال در طول مخاصمات می‌گردد، و همچنین از هر گونه عملیات جنگی هدایت‌شده علیه چنین اموالی خودداری ورزند».

شایان ذکر است بند ۱ ماده ۴ کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه در زمره حقوق بین‌الملل عرفی قرار می‌گیرند که قابل اعمال در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و هم غیر بین‌المللی می‌باشند. در واقع اصل بنیادین حفظ و حراست از اموال فرهنگی در کنوانسیون لاهه برحسب اعلام کنفرانس عمومی یونسکو و کشورهای که عضو کنوانسیون نیستند، به‌عنوان انعکاس قواعد حقوق بین‌المللی عرفی قلمداد می‌شود^۱. بنابراین و در این زمینه نظامی کردن مکان‌های ثبت‌شده در میراث جهانی با استقرار پایگاه‌های نظامی در پالمیرا، قلعه آلیو یا قلعه کرک شوالیه همان‌گونه که به‌وسیله دولت و نیروهای مخالف صورت پذیرفت، می‌تواند به‌صراحت نقض بند ۱ ماده ۴ محسوب شود (Arimatsu & Choudhury, 2015:677).

در ادامه، بند ۲ ماده ۴ استثنایی بر بند ۱ قائل شده است با این مضمون: «مگر آنکه ضرورت نظامی آمرانه ایجاب نماید». در تفسیری که در خصوص این ماده مطرح شده است «ضرورت» مورد بحث باید به دستور، تشخیص و صلاح‌دید مقام و فرمانده ارشد نظامی صورت پذیرد. بند ۲ ماده ۴ در واقع مبتنی بر اسقاط تعهدات است اما همان‌طور که گفته شد تنها در مواردی که ضرورت نظامی به‌صورت آمرانه‌ای چنین تعهدی را الزام می‌نماید. ذکر این نکته ضروری است که این ماده در رابطه با کشورهای عضو پروتکل الحاقی اول و پروتکل الحاقی دوم که عضو کنوانسیون ۱۹۵۴ نیستند، با شدت و حدت بیشتری مورد تأکید قرار گرفته به نحوی که هیچ اسقاط تعهدی در هیچ‌یک از پروتکل‌ها در رابطه با توسل به ضرورت نظامی برای کشورهای عضو در نظر گرفته نشده است.

۳. ۱. ۲. بند ۱ ماده ۱۹ کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه

این بند به‌صراحت اعمال‌کننده مقرراتی مربوط به احترام به اموال فرهنگی برای گروه‌های درگیر در یک مخاصمه مسلحانه غیربین‌المللی است. مضمون ماده عبارت است از: «در زمان مخاصمه مسلحانه از نوع غیربین‌المللی که در سرزمین هر یک از اعضای متعهد کنوانسیون صورت می‌پذیرد، هر طرف مخاصمه ملزم به حداقل‌هایی در رابطه با مقررات کنوانسیون حاضر که مرتبط با حمایت از اموال فرهنگی است، می‌باشند». درحالی‌که ماده ۱۸ کنوانسیون قید می‌کند که سند مذکور قابل اعمال در خصوص مخاصمات رسمی و اعلام‌شده میان کشورهای متعهد می‌باشد، «ماده ۱۹» کنوانسیون را قابل اعمال برای مخاصمات مسلحانه از نوع

۱. کنفرانس عمومی یونسکو، قطعنامه ۵-۳ و ایالات متحده، ملاحظات ضمیمه به دستورالعمل نیروی دریایی ایالات متحده.

غیربین‌المللی نیز می‌داند. این بدان معناست که کنوانسیون برای برخی مخاصمات داخلی قابل اعمال است، ولی این مهم شامل اغتشاشات و آشوب‌های داخلی که در حوزه مفهومی مخاصمات مسلحانه قرار نمی‌گیرند، نمی‌شود (Cassese, 1981:423).

در خصوص ماده ۱۹، شایان ذکر است که هیأت تجدیدنظر دیوان کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق در رأی معروف تادیچ^۱، این ماده را جزء قواعد عرفی بین‌المللی شناسایی می‌کند. این دیوان در پرونده دیگری (Prosecutor V. Strugar) به رأی صادره توسط هیأت تجدیدنظر در پرونده تادیچ استناد کرد و ماده ۱۹ کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه را یک قاعده عرفی بین‌المللی دانست (لسانی، ۱۳۹۴: ۱۶۰).

در ادامه باید متذکر شد کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه به صراحت نظام صلاحیت جهانی کیفری را تثبیت نکرده و بدین ترتیب مانع از اتخاذ اقدامات مناسب برای اجرایی کردن کنوانسیون علیه داعش شده است. به علاوه کنوانسیون از عدم صراحت در متون آن رنج می‌برد و مشخص نکرده نقض چه موادی از کنوانسیون موجبات تعقیب کیفری را فراهم می‌سازد. چه «قصد مجرمانه» و مؤلفه‌های دیگری برای برخورد با چنین جرائمی لازم است و در نهایت اینکه در این مواقع چه مجازات‌هایی باید اعمال شود. اگرچه ماده ۲۸ کنوانسیون، کشورها را ملزم به تصویب قوانینی در راستای تعقیب، پیگرد و تحمیل مجازات یا تحریم‌های تأدیبی بر اشخاص فارغ از هر ملیتی که مرتکب نقض تعهدات مندرج در کنوانسیون می‌شوند، می‌کند، لیکن براساس تفسیر مضیق از ماده ۱۹، اعمال ماده مذکور برای مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی جای سؤال است. اگرچه ضعف ساختاری کنوانسیون در این زمینه با تصویب پروتکل دوم و فهرست کردن جرائم مرتبط و مشخص در این زمینه، تا حدودی مورد توجه واقع شد^۲، از آنجا که نه سوریه و نه عراق عضو پروتکل مذکور نیستند، تنها آن دسته از جرائم جنگی که تحت حقوق بین‌الملل عرفی شناسایی شده و قابل اعمال در خصوص مخاصمات غیربین‌المللی‌اند، مدنظر است (صمدی، ۱۳۷۷: ۱۴۴).

۳.۲. بررسی پروتکل دوم الحاقی ۱۹۷۷ به کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹

در سال ۱۹۷۷ دو پروتکل به کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ ضمیمه شد که پروتکل اختیاری اول در خصوص مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و پروتکل اختیاری دوم در خصوص مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی است. در این مبحث پروتکل دوم الحاقی که مرتبط با موضوع اصلی مقاله است، بررسی می‌شود.

1. Tadic

۲. بند ۱ ماده ۱۵ پروتکل دوم، چارچوب مشخصی از نقض‌های جدی پروتکل در ۵ طبقه‌بندی فهرست کرده است.

۳.۲.۱. بند ۱ ماده ۱ پروتکل دوم الحاقی ۱۹۷۷

بند ۱ ماده ۱ پروتکل دوم بیان می‌دارد: «... برای حمایت از قربانیان مخاصمات مسلحانه رخداده در قلمرو سرزمین‌های متعاهدین میان نیروهای مسلح آن کشور و نیروهای مسلح طرف مخالف یا دیگر گروه‌های سازمان‌یافته که تحت فرماندهی واحد بخشی از سرزمین‌های کشور متعاقد را در کنترل دارند...».

این پروتکل ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های ژنو را توسعه داده و تکمیل می‌کند، بدون آنکه در شرایط اعمال این ماده تغییری داده باشد. البته قلمرو اجرایی پروتکل دوم محدودتر از ماده ۳ مشترک است، یعنی پروتکل دوم فقط در خصوص مخاصماتی به اجرا درمی‌آید که میان نیروهای مسلح دولتی یکی از دول معظم متعاقد از یک سو و نیروهای مسلح مخالف یا سایر گروه‌های مسلح سازمان‌یافته از سوی دیگر اجرا می‌شود.^۲ شایان ذکر است که خود ماده ۳ مشترک هم الگوی ماده ۱۹ معاهده ۱۹۵۴ لاهه بوده است (اکیف، ۱۳۹۵: ۲۲۸).

با توجه به بند مذکور و تصریح نقش مکمل پروتکل دوم در توسعه ماده ۳ مشترک، شاید باید تنها به همین کارکرد برای پروتکل مذکور اکتفا کرد. به هر حال براساس پروتکل حاضر، دول عضو کنوانسیون‌ها متعهدند اقدامات ضروری را برای جلوگیری از انجام اقداماتی مغایر با مفاد کنوانسیون‌های ژنو و از جمله نقض‌های فاحش به عمل آورند (اکیف، ۱۳۹۵: ۲۳۲).

۳.۳. پروتکل دوم الحاقی ۱۹۹۹ منضم به کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه

طی چهار دهه پس از تصویب کنوانسیون ۱۹۵۴، پیشرفت اندکی در خصوص تقویت حمایت از اموال فرهنگی در مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی به‌رغم تصویب پروتکل دوم الحاقی در سال ۱۹۷۷ صورت پذیرفته است. این وقفه در مسیر پیشرفت، به‌دنبال جنگ‌های بالکان در اوایل دهه ۱۹۹۰ تغییر رویه داد و سبب تغییر نگاه جهانی به مقررات مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی با تأکید بر اموال فرهنگی شد. در واقع تخریب نظام‌مند میراث فرهنگی به‌عنوان نمونه با حمله به پل تاریخی موستار^۳ و شهر قدیمی دوبرونیک^۱ در خلال جنگ بالکان دولت‌ها

1. Art.1(1), Additional Protocol II of 1977

“...Protection of Victims of International Armed Conflicts (Protocol I) and which take place in the territory of a High Contracting Party between its armed forces and dissident armed forces or other organized armed groups which, under responsible command, exercise such control over a part of its territory...”

۲. پاراگراف ۴۳۵۹ در خصوص شمول ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو قابل اعمال در مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی در تفسیری پروتکل‌های الحاقی ۱۹۷۷ به کنوانسیون‌های ژنو توسط کمیته بین‌المللی صلیب سرخ قابل دسترس در سایت: <https://ihl-databases.icrc.org/ihl/INTRO/470>

۳. پل قدیمی موستار (Mostar) که در فهرست میراث فرهنگی جهانی یونسکو ثبت شده است، در طول قرن‌ها از جنگ‌های بسیاری جان سالم به‌در برده بود، اما در سال ۱۹۹۳ میلادی بر اثر آتش توپخانه کروات‌ها ویران شد.

را مجبور به برداشتن گام‌های بیشتری در حمایت از اموال فرهنگی کرد. در نتیجه ابتکار عمل‌های اتخاذشده در این زمینه، به تصویب پروتکل دوم الحاقی به کنوانسیون ۱۹۵۴ اموال فرهنگی در سال ۱۹۹۹ منجر شد که در کلیت خود شامل مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و هم غیر بین‌المللی می‌شود (Toman, 2010: 323).

۳.۳.۱. بند ۱ ماده ۲۲ پروتکل دوم ۱۹۹۹ به کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه

این بند دامنه کاربرد این پروتکل را به‌صراحت به مخاصمات از نوع غیربین‌المللی توسعه می‌دهد، با این مضمون که: «همه مقررات پروتکل دوم قابل اعمال در زمان رویداد مخاصمه مسلحانه از نوع غیربین‌المللی که در سرزمین یکی از طرفین متعاقد رخ می‌دهد، هستند». در نتیجه، پروتکل دوم به‌طور مساوی هم برای مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و هم غیربین‌المللی قابل اعمال است. در ادامه بند ۲ ماده ۲۲ پروتکل دوم الحاقی به کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه، از سویی دامنه شمول پروتکل را محدود می‌کند، به‌نحوی که بیان می‌دارد: «این پروتکل برای وضعیت‌هایی نظیر آشوب‌ها و تنش‌های داخلی از قبیل شورش‌ها، خشونت‌های پراکنده و انفرادی و دیگر اقداماتی با ماهیت مشابه؛ اعمال نمی‌گردد».

در واقع و در عمل، مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی متفاوت از مخاصمات مسلحانه بین‌المللی از یک سو و متفاوت با اغتشاشات و تنش‌های داخلی از سوی دیگرند. آقای جین پیکنتک^۲ در نظر تفسیری خود در خصوص ماده ۳ کنوانسیون‌های ژنو، دستورالعمل و راهنمای سودمندی برای افتراق و تمایز میان مخاصمات مسلحانه از اغتشاشات داخلی ارائه می‌کند (Bellal, Giacca & Casey-Maslen, 2011: 54).

پروتکل دوم الحاقی ۱۹۹۹ به کنوانسیون اموال فرهنگی که در کلیت خود هم برای مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و هم غیربین‌المللی قابل اجراست، چارچوب حمایتی جامع‌تری را در این زمینه مبتنی بر نظام جامع و توسعه‌یافته کیفری مجازات ارائه می‌دهد و آن تأکید بر توسعه صلاحیت قضایی دولت‌ها از طریق قانونگذاری، جرم‌انگاری یا سایر اقداماتی است که ممکن است در برخورد با موارد متخلف نقض این پروتکل صورت پذیرد.

بدین ترتیب، پروتکل دوم با توجه به میزان جدیت و اهمیت جرم، سه نوع سازوکار اجرایی از جمله اعمال صلاحیت جهانی، اقدامات کیفری در سطح ملی و نیز اقدامات اجرایی و انضباطی را ایجاد نکرده است (Chadha, 2001: 5). در تحلیل نهایی در مورد پروتکل دوم می‌توان گفت که ارزش و اهمیت این پروتکل از حیث حقوقی آن است و در واقع تمایزی شایان توجه در حمایت

۱. شهر دوبرونیک (Dubrovnik) توسط سازمان یونسکو جزو میراث فرهنگی جهان قرار گرفته است و در سال ۱۹۹۱ میلادی توسط ارتش یوگسلاوی به مدت سه ماه محاصره و زیر بمباران مداوم بود.

2. Jean Pictet

از اموال فرهنگی در زمان مخاصمات مسلحانه به عمل آورده است (اکیف، ۱۳۹۵: ۳۰۵). در مقررات کیفری مندرج در پروتکل دوم رویکردی تخصصی تر و با گرایش به منطق مبتنی بر ارزش فرهنگی در نظر گرفته شده است. در حقیقت شواهد چشمگیری دال بر پافشاری و اصرار بر این دو رویکرد متباین را می توان در تعاریف متفاوت از جرائم تحت شمول این اسناد، یافت و مشاهده کرد (Frulli, 2011: 205).

در جمع بندی این مبحث، باید متذکر شد در حالی که پروتکل دوم روشن کننده بسیاری از اصول کنوانسیون لاهه ۱۹۵۴ بود، لیکن به عنوان نوشدارویی که انتظار همگان می رفت، ظاهر نشد. بسیاری از ضعف های کنوانسیون لاهه حتی پس از اجرای پروتکل دوم به قوت خود باقی ماندند و آن به ضعف در سازوکارهای اجرایی در خصوص محاکمه مرتکبان به تخریب فاحش میراث فرهنگی بازمی گردد و این متأثر از مباحث صلاحیتی دیوان بین المللی کیفری است. همچنین مذاکرات مرتبط با اساسنامه ICC و پروتکل دوم کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه که چندین سال در موازات هم اتفاق افتادند، در مورد تعریف جرائم و سایر مسائل مرتبط با اموال فرهنگی به نقاط مشترک و همگرایی دست نیافتند. این در حالی است که اساسنامه دیوان به رویکرد بسیار سنتی در خصوص جرائم علیه اموال فرهنگی تداوم می بخشد (Frulli, 2011: 206).

۲.۳.۲. قطعنامه های شورای امنیت و مجمع عمومی در حمایت از اموال فرهنگی در سوریه و

عراق

تخریب میراث فرهنگی در سوریه و عراق متأثر از عوامل بی شماری از جمله بمباران و درگیری در مراکز شهری، حمله به بناهای مذهبی به عنوان بخشی از ماهیت فزاینده و متعصبانه خشونت، استفاده از مکان های باستانی به عنوان جایگاه مناسب راهبردی و غارت مکان های مذکور و همچنین موزه ها به منظور فروش اشیای مسروقه در بازارهای بین المللی برای افزایش بودجه با مقاصد مختلف از جمله خرید تسلیحات و مهمات نظامی است، در این زمینه شورای امنیت و مجمع عمومی.

۲.۳.۴. قطعنامه های شورای امنیت

سه قطعنامه صادره از سوی شورای امنیت سازمان ملل - تحت فصل هفتم منشور - اعضای سازمان را موظف می کند بحران اموال فرهنگی در سوریه و عراق را مورد توجه قرار دهند. اولین قطعنامه شورای امنیت که در فوریه ۲۰۱۴ تحت قطعنامه ۲۱۳۹ به اتفاق آرا به تصویب رسید، از اعضا درخواست کرد تا به نجات میراث اجتماعی - فرهنگی سوریه اقدام کنند و گام های مقتضی برای تضمین حمایت از میراث جهانی در سوریه بردارند (S.C./RES/2139, 2014: Para 8).

در فوریه ۲۰۱۵، شورای امنیت قطعنامه ۲۱۹۹^۱ پیشنهادی روسیه را براساس فصل هفتم منشور و به اتفاق آرا تصویب کرد که به‌ویژه با مخاطب قرار دادن داعش، به تخریب اموال فرهنگی در سوریه اشاره می‌کند. شورای امنیت طی قطعنامه مذکور، تخریب میراث فرهنگی در عراق و سوریه را به‌وسیله داعش محکوم نموده و همه اعضای سازمان ملل متحد را ملزم می‌کند که اقدامات مناسبی در جهت جلوگیری از تجارت اموال فرهنگی در این دو کشور و دیگر اقلام باستانی، تاریخی، اتخاذ نکنند. گام‌های مربوطه شامل ممنوعیت تجارت دوجانبه در خصوص اقلام مربوطه بوده و یونسکو، اینترپل و دیگر سازمان‌ها باید در اجرای چنین گام‌هایی، مساعدت لازم را ایفا کنند. قطعنامه ۲۱۹۹ در واقع مکمل قطعنامه‌های قبلی ۲۱۷۰ و ۲۱۷۸ صادر شده توسط شورای امنیت در خصوص مبارزه با تروریسم است و کشورهای عضو حامی تروریسم در عراق و سوریه را از خرید و معامله نفت و گاز، اشیای عتیقه و تاریخی با تروریست‌ها منع می‌کند. شورای امنیت در این قطعنامه از تمامی کشورهای جهان خواسته است که مانع از دستیابی داعش به درآمدهای نامشروع شوند (S.C./RES, 2015: 2199).

مورد آخر قطعنامه ۲۳۴۷ شورای امنیت^۴ است که اخیراً در هفت‌هزار و نهصد و هفتمین جلسه این شورا در ۲۴ مارس ۲۰۱۷ در خصوص حمایت از میراث مشترک بشریت و میراث فرهنگی با رأی موافق ۱۵ عضو آن به تصویب رسیده است. نکته شایان توجه قطعنامه مذکور این است که در بند ۴ ضمن محکوم کردن تخریب میراث فرهنگی، مکان‌های مذهبی و آثار باستانی و همچنین غارت و قاچاق آثار باستانی کشورها در زمان جنگ و درگیری توسط گروه‌های تروریستی و نام بردن از القاعده و داعش، برای اولین بار در تاریخ سازمان ملل متحد، تهاجم عمدی به میراث فرهنگی کشورها را به‌منزله جنایت جنگی دانست (S.C./RES, 2017:2347). این مهم نقطه عطفی حائز اهمیتی در تاریخ حقوق بشردوستانه و حمایت از اموال فرهنگی محسوب می‌شود. از صدور قطعنامه‌های مکرر این رکن که در بیشتر موارد به اتفاق آرا تصویب شده‌اند و از قول قضات دیوان بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق، این نتیجه حاصل می‌شود که قطعنامه‌های مذکور اهمیت خاصی از حیث شکل دادن به اعتقاد حقوقی بین‌المللی (opinion Juris) به اصل مسئولیت کیفری عاملان و آمران نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه عام بر مخاصمات مسلحانه (بین‌المللی و غیربین‌المللی) دارند.^۵

1. UN Doc. S/RES/2199 (2015), 12 February 2015.

2. UN Doc. S/RES/2170 (2014), 15 August 2014.

3. UN Doc. S/RES/2178 (2014), 24 September 2014.

۴. قطعنامه ۲۳۴۷ شورای امنیت متعاقب قطعنامه C/48 38 مصوب کنفرانس عمومی سازمان یونسکو صادر شد که طی آن اعضای سازمان با ایجاد راهکاری برای حمایت و تقویت اقدامات یونسکو در حمایت از فرهنگ و پلورالیسم فرهنگی (Cultural Pluralism) در زمان مخاصمات مسلحانه موافقت کرده و از دبیرکل برای تدارک برنامه اقدام به‌منظور عملی کردن استراتژی مذکور، دعوت کردند.

5. L'arret Tadic, 2 October 1995, para, 133.

۳.۵. قطعنامه‌های مجمع عمومی

در سال ۱۹۹۹ دولت یونان پیش‌نویسی از یک قطعنامه را در مجمع عمومی سازمان ملل متحد ارائه کرد که ۴۱ کشور به سرعت به حمایت از آن برخاستند. این قطعنامه به صورت اجماع (کنسانسوس) به تصویب رسید (G.A./RES/ 54/190, 2000). در بند ۳ مقدمه این قطعنامه، مجمع عمومی بر مفاد کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه تأکید کرده، نگرانی عمیق خود را در مورد زیان‌های وارده به آثار باستانی حین مخاصمات مسلحانه و اشغال نظامی اعلام می‌کند. در بند ۳ از متن اصلی این قطعنامه، مجمع عمومی با تأکید زیادی از دولت‌ها می‌خواهد که به کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه و پروتکل دوم آن ملحق شوند.^۱

این مجمع در سال ۲۰۰۱ با تصویب قطعنامه‌ای دیگر^۲ ضمن تأکید بر ضرورت پیوستن دولت‌ها به کنوانسیون ۱۹۵۴ و پروتکل دوم آن، بر ضرورت حمایت از میراث فرهنگی حین مخاصمات مسلحانه و اشغال نظامی تأکید کرد و این حمایت را هم شامل مخاصمات بین‌المللی و هم غیربین‌المللی دانست (لسانی، ۱۳۹۴: ۱۵۵).

در متن قطعنامه ۲۸۱ مجمع عمومی مصوب ۲۸ می ۲۰۱۵ طی شصت‌ونهمین جلسه مجمع عمومی تحت عنوان «نجات میراث فرهنگی عراق» نیز تصریح شده است که حملات عمدانه جهت‌گیری شده علیه بناهای اختصاص شده به امور مذهبی، آموزش و پرورش، هنر، علم یا مقاصد عام‌المنفعه، یا بناهای تاریخی، به جنایات جنگی منجر می‌شوند (G.A./RES/69/281, 2015). اگرچه اقدامات کنونی داعش در تخریب میراث فرهنگی، براساس اساسنامه رم و به موجب ماده ۲۸ این اساسنامه و جرائم برشمرده شده ذیل آن، جنایت جنگی محسوب می‌شود، لیکن تعقیب کیفری آنها در دیوان بین‌المللی کیفری با چالش‌های متعددی مواجه خواهد بود.

قواعد عرفی حقوق بشردوستانه حاکم بر مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی در حمایت از اموال فرهنگی

بی‌شک شبهه‌نظامیان داعش و گروه‌هایی مانند آن، اغلب عضو هیچ‌یک از اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی نبوده و لذا امکان انتساب مسئولیت بر آنها بر اساس نقش تعهدات قراردادی میسر نمی‌باشد. لیکن بر هر پژوهشگری در حوزه حقوق بین‌الملل این امر واضح و مبرهن است که برخی از اصول و قواعد حقوقی به‌ویژه در حوزه حقوق بین‌المللی بشردوستانه حالت عرفی پیدا

1. "Welcomes the adoption of the Second Protocol to the Convention, adopted at The Hague on 26 March 1999, and invites all States Parties to the Convention to consider becoming parties to the Second Protocol to the Convention"

2. GA Resolution 56/97, 14 December 2001.

3. Art.8(4) Rome Statute of the International Criminal Court, 1 July 2002.

کرده و بر همه اعضای جامعه بین‌المللی از دولت‌ها، سازمان‌ها و گروه‌های سازمان‌یافته یا حتی شورشیان در هر مخاصمه‌ای چه از نوع بین‌المللی و چه غیربین‌المللی قابل اعمال است. در ذیل به برخی از این قواعد می‌پردازیم:

۱. اصل تفکیک بین اموال غیرنظامی و اهداف نظامی

«طرف‌های مخاصمه بایستی در تمامی احوال میان هدف‌های غیرنظامی و اموال نظامی تفکیک قائل شوند. حمله فقط می‌تواند علیه هدف‌های نظامی صورت گیرد. حملات نباید علیه اموال غیرنظامی باشد»^۱. رویه دولت‌ها این قاعده را به‌منزله یک قاعده عرفی حقوق بین‌الملل در هر دو زمینه درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی و غیربین‌المللی قابل اعمال می‌دانند (هنکرتز، دوسوالدبک، ۱۳۹۱: ۹۳).

در پروتکل دوم کنوانسیون لاهه ۱۹۵۴ حمایت از اموال فرهنگی، اصل تفکیک میان اموال غیرنظامی و اهداف نظامی را به‌عنوان مبنایی برای تعریف لزوم حمایت از اموال فرهنگی در درگیری‌های مسلحانه غیربین‌المللی استفاده کرده است.^۲ اساساً دیوان کیفری بین‌المللی حمله به اموال غیرنظامی در جریان درگیری‌های مسلحانه غیربین‌المللی را به‌عنوان جنایت جنگی تعریف نکرده است، اما ویرانی اموال طرف‌تخاصم را به‌عنوان جنایت جنگی تعریف کرده، مگر آنکه انهدام آن «به‌دلیل ضرورت ناشی از درگیری الزامی بوده باشد»^۳ (هنکرتز و دوسوالدبک، ۱۳۹۱: ۹۶). الزام به تفکیک بین اموال غیرنظامی و اهداف نظامی و ممنوعیت حمله به اموال غیرنظامی در بسیاری از دستورالعمل‌های نظامی گنجانیده شده است. به‌خصوص دستورالعمل حقوق بین‌المللی بشردوستانه سوئد، اصل تفکیک مندرج در ماده ۴۸ پروتکل الحاقی شماره ۱ را به‌عنوان یکی از قواعد حقوق بین‌الملل عرفی شناسایی کرده است (Sweden's IHL Manual (1991)).

۲. اموال فرهنگی

«هر یک از طرف‌های درگیری باید اموال فرهنگی را محترم شمارد: الف) در عملیات نظامی باید به‌منظور اجتناب از آسیب‌رسانی به بناهای مذهبی، هنری، علمی، آموزشی یا مختص به امور خیریه و بناهای تاریخی دقت ویژه به‌عمل آید مگر آنکه بناهای مزبور اهداف نظامی باشند؛ ب) اموالی که از نظر میراث فرهنگی هر ملت حائز اهمیت فراوان است نباید هدف حمله قرار گیرد، مگر آنکه ضرورت حتمی نظامی ایجاب کند». رویه دولت‌ها این قاعده را به‌منزله یک قاعده

۱. قاعده ۷ حقوق بین‌المللی بشردوستانه عرفی.

۲. پروتکل دوم کنوانسیون لاهه حمایت از اموال فرهنگی، ماده ۶ (الف)، ج ۲، فصل ۱۲، ش ۲۱.

۳. اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، ماده ۸ (۲)(هـ) (۱۲).

عرفی حقوق بین‌الملل در هر دو زمینهٔ مخاصمات مسلحانهٔ بین‌المللی و غیربین‌المللی قابل اعمال می‌داند (هنکرتز و دوسوالدبک، ۱۳۹۱: ۲۴۰).

در خصوص هدف حمله قرار دادن اموال غیرنظامی و بعضی اموالی که در زمرهٔ اهداف نظامی به‌شمار نمی‌آیند، باید گفت که تخریب اموال غیرنظامی در زمرهٔ جنایات جنگی محسوب شده و در آرای متعددی از دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق شناسایی شده و ماهیت عرفی پیدا کرده است.^۱ در قوانین بسیاری از کشورها حمله به اموال غیرنظامی در درگیری‌های مسلحانه تخلف محسوب می‌شود.^۲

بحث دیگر توجه به این موضوع است که کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه نیز می‌تواند از طریق حقوق بین‌الملل عرفی در خصوص بازیگران غیردولتی اعمال شود. برخلاف حقوق قراردادی، حقوق بین‌الملل عرفی قادر به ملزم ساختن عوامل غیردولتی است حتی اگر به‌طور رسمی تعهدات ایجاد شده تحت حقوق بین‌الملل را نپذیرفته باشند. در واقع مقررات یک معاهدهٔ بین‌المللی اگر به‌صورت عمومی میان امضاکنندگان و هم غیر آن پذیرفته شده باشد، به‌عنوان بخشی از حقوق بین‌الملل عرفی مطرح می‌شود، بنابراین نه صرفاً کشورها بلکه عوامل غیردولتی مانند جریان‌های شورشی، گروه‌های تجزیه‌طلب و ... را متعهد می‌کند. در نهایت به‌نظر می‌رسد مقررات کلیدی کنوانسیون ۱۹۵۴ به‌عنوان بخشی از حقوق بین‌الملل عرفی در نظر گرفته شده‌اند که از مهم‌ترین آنها مواد ۴ و ۱۹ که در بالا اشاره شد، هستند.

ممنوعیت غارت نیز در حقوق بین‌المللی بشردوستانهٔ عرفی مورد توجه واقع شده و در پروتکل الحاقی دوم تصریح شده است. برابر اساسنامهٔ دیوان کیفری بین‌المللی «غارت یک شهر یا یک مکان، حتی اگر طی حمله تسخیر شده باشد» در درگیری‌های مسلحانهٔ غیربین‌المللی^۳ نیز جنایت جنگی به‌شمار می‌رود؛ برای مثال آنچه در غارت موزه‌های عراق و سوریه طی سال‌های استیلای داعش بر این سرزمین‌ها اتفاق افتاد. در دیوان کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق یا رواندا یا دادگاه ویژه سیرالئون نیز همین نگرش وجود داشته است^۴ (هنکرتز و دوسوالدبک، ۱۳۹۱: ۲۹۸).

۳. ضمانت اجرای حمایت از میراث فرهنگی از رهگذر دیوان بین‌المللی کیفری

با نگاهی به اساسنامهٔ رم، تخریب اموال فرهنگی در ذیل مادهٔ ۸ که مربوط به جنایات جنگی

۱. دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق، پروندهٔ Blaskic رای (ج دوم، فصل ۲، ش ۱۸۱).

۲. برای مثال قانون استرالیا، آذربایجان، کانادا، کنگو، کرواسی، استونی، گرجستان، آلمان، مجارستان، ایتالیا، هلند و...

۳. اساسنامهٔ دیوان بین‌المللی کیفری، مادهٔ ۸(۲)(ح).

۴. اساسنامهٔ دیوان بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق، مادهٔ ۳ (ه)، اساسنامهٔ دیوان بین‌المللی کیفری برای رواندا، مادهٔ ۴(و).

است، قرار می‌گیرد. مضمون جزء «ب» از بند ۲ ماده ۸ اساسنامه اذعان می‌کند: «هدایت عمدی حملات بر ضد ساختمان‌هایی که برای مقاصد مذهبی، آموزشی، هنری، علمی یا خیریه اختصاص یافته و حمله به آثار تاریخی، بیمارستان‌ها و مکان‌های تجمع بیماران و مشروط بر آنکه آن مکان‌ها اهداف نظامی نباشند...» جزء عرف‌های قابل اجرا در مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی محسوب می‌شود و رسیدگی به آن در صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری قرار می‌گیرد. در واقع جرم‌انگاری حمله به ابنیه فرهنگی در اساسنامه دیوان، کار کنفرانس لاهه را آسان‌تر کرد که وظیفه تدوین پروتکل دوم الحاقی به کنوانسیون لاهه ۱۹۵۴ برای حفاظت از اموال فرهنگی در زمان مخاصمه مسلحانه را بر عهده داشت. لیکن از آنجا که این مهم در موارد صلاحیت موضوعی دیوان قرار می‌گیرد و همان‌گونه که در پاراگراف ذیل مجدداً اشاره خواهد شد، به دلیل عدم عضویت سوریه و عراق در دیوان، توسل به آن عقیم می‌ماند (ممتاز و رنجبریان، ۱۳۸۶: ۲۴۹).

براساس شواهد، بیش از سی هزار جنگجوی خارجی از کشورهای متبوعه خود رهسپار سوریه و جذب گروه‌های تروریستی شده‌اند. بسیاری از این کشورها که اتباع آنها در مخاصمه مسلحانه سوریه مشارکت کرده‌اند، عضو دیوان کیفری بین‌المللی اند که دیوان براساس بند «ب» پاراگراف ۲ ماده ۱۲ اساسنامه صلاحیت رسیدگی به جرائم ارتكابی توسط آنها را دارد. بنابراین در حال حاضر دیوان بین‌المللی کیفری با اینکه به دلیل عضویت نداشتن سوریه و عراق با ایراد عدم صلاحیت ابتدایی مواجه است، تنها مرجع قضایی کارآمد برای رسیدگی به جنایات ارتكابی علیه میراث فرهنگی سوریه از منظر صلاحیت شخصی محسوب می‌شود (فروغی، غنی، ۱۳۹۴: ۳۵۴-۳۵۳).

مطلب قابل تأمل دیگری که مطرح می‌شود این است که امروزه با توجه به اینکه تهدید بر صلح و امنیت بین‌المللی شورای امنیت را به عرصه اجرای حقوق بشردوستانه وارد کرده است، یکی از راهکارهای مهم و در واقع منطقی‌ترین سازوکار برای مجازات مرتکبان در خصوص تخریب میراث فرهنگی در کنار سایر جنایات و اعمال وحشیانه صورت گرفته توسط نیروهای داعش در کشورهای سوریه و عراق، ارجاع وضعیت توسط شورا به عنوان مهم‌ترین رکن حفظ صلح و امنیت بین‌المللی وفق ماده ۲۴ منشور و براساس بند «ب» ماده ۱۳ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی است. طبق مضمون ماده اخیر: «شورای امنیت می‌تواند وضعیتی را که در آن یک یا چند جنایت به نظر می‌رسد ارتكاب یافته است، به موجب فصل هفتم منشور ملل متحد به دادستان ارجاع کند». ارجاع وضعیت از سوی شورای امنیت به دیوان آن را قادر می‌سازد که جرائم ارتكابی از سوی کشورهای عضو اساسنامه نیستند یا جنایات واقع در چنین کشورهایی را، بدون نیاز به قبول صلاحیتش از سوی این کشورها، تعقیب کند.

به هر حال آنچه مسلم است اگر تا همین سال‌های اخیر مسئولیت کیفری از نقض مقررات بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه داخلی و غیربین‌المللی اساساً نفی می‌شد و فرض

بر این بود که حقوق بین‌الملل چنین مسئولیتی را نمی‌شناسد، امروزه سکوت معاهدات و کنوانسیون‌های بین‌المللی دیگر نافی مسئولیت کیفری افراد نیست و تخلف شدید از حقوق بشردوستانه در حوزه‌های مختلف و از جمله تخریب میراث مشترک بشریت و آثار باستانی و فرهنگی جنایت جنگی محسوب می‌شود و عاملان آن باید به لحاظ بین‌المللی تحت تعقیب قرار گیرند و این حکایت از لازم‌الاجرا بودن حقوق بشردوستانه بر افراد و عاملان غیردولتی در صحنه بین‌المللی دارد.

نتیجه‌گیری

طی بررسی و پژوهش در مواد مندرج در اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی در خصوص حمایت از میراث فرهنگی به‌ویژه در زمان مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی، با این واقعیت تلخ مواجه می‌شویم که داعش و دیگر بازیگران غیردولتی، طرف متعاهد هیچ‌یک از اعلامیه‌ها، کنوانسیون‌ها، پروتکل‌ها و سایر اسناد بین‌المللی در خصوص حمایت از اموال فرهنگی به‌عنوان یک امر حکمی نیستند، با این حال ملزم به رعایت قواعد بین‌المللی حقوق بشردوستانه قابل اعمال در مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی شامل حقوق بین‌الملل عرفی که در کل از اموال فرهنگی در طی مخاصمات حمایت می‌کند، هستند.

به لحاظ شمولیت اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی در مورد عراق و سوریه، هر دو کشور عضو کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه و هم پروتکل اول الحاقی منضم به این کنوانسیون در خصوص حمایت از اموال فرهنگی در بروز مخاصمات مسلحانه‌اند. عراق کنوانسیون اموال فرهنگی و پروتکل اول را در سال ۱۹۶۷ و سوریه کنوانسیون و اولین پروتکل آن را در سال ۱۹۵۸ تصویب نکرد. از سویی با توجه به اینکه نه عراق و نه سوریه پروتکل دوم الحاقی ۱۹۹۹ را تصویب نکرده‌اند، مقررات مشتمل شده در آن حداقل به‌عنوان یک تعهد قراردادی برای دو کشور مذکور الزام‌آور نیستند. با وجود این، یک سری از مقررات کلیدی در زمینه اعمال خشونت در پروتکل دوم وجود دارند که برای همه طرف‌های مخاصمه چه کشورها و چه گروه‌های نظامی سازمان یافته به موجب حقوق بین‌الملل عرفی الزام‌آور محسوب می‌شوند.

جنایت جنگی ناشی از حملات غیرقانونی علیه اموال فرهنگی، جرمی تثبیت شده و دیرینه تحت حقوق بین‌الملل عرفی بوده و قابل اعمال برای مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و هم غیربین‌المللی است و همان‌گونه که اشاره شد، در متن قطعنامه ۲۸۱ مجمع عمومی نیز تصریح شده که به‌طور ضمنی تأیید می‌کند، حملات عامدانه جهت‌گیری شده علیه ساختمان‌های اختصاص داده شده به امور مذهبی، آموزش و پرورش، هنر، علم یا مقاصد عام‌المنفعه و بناهای تاریخی، به جنایات جنگی منجر می‌شوند. اگرچه اقدامات کنونی داعش در تخریب میراث

فرهنگی، طبق اساسنامه رم و به موجب ماده ۸ این اساسنامه و جرائم برشمرد شده ذیل آن، جنایت جنگی محسوب می‌شود، لیکن تعقیب کیفری آنها در دیوان بین‌المللی کیفری با چالش‌های متعددی مواجه خواهد بود.

با اینکه در دو دهه گذشته، پیشرفت‌های چشمگیری در توسعه نظام قراردادی و حقوق عرفی بین‌المللی برای حمایت از اموال فرهنگی در مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی صورت پذیرفته است، به نظر می‌رسد چارچوب حقوقی جامع‌تری به‌ویژه در خصوص متعهد ساختن گروه‌های مسلح نظامی سازمان‌یافته در مورد مخاصمات غیربین‌المللی لازم است و بی‌شک تمرکز بر نظام کیفری شاید ما را به این حمایت نزدیک‌تر سازد. در این زمینه اقدام به‌موقع دادستان دیوان بین‌المللی کیفری و شکسته شدن سکوت وی در خصوص محاکمه احمدالفقی المهدی را باید به فال نیک گرفت. وی به اتهام ارتکاب جرم جنگی هدایت‌عامدانه حملات علیه اموال فرهنگی مستقر در شهر تاریخ تیمبوکتو در کشور مالی، توسط دیوان بین‌المللی کیفری محاکمه شد و این مهم ضمن بسترسازی مؤثر، چشم‌انداز نویدبخشی برای جامعه جهانی در خصوص حمایت از اموال فرهنگی به‌شمار می‌رود و بر پیکره فرهنگ بی‌کیفرمانی نابودگران میراث فرهنگی بشریت لرزه جدی وارد کرده است.

به‌عنوان سخن پایانی باید اذعان کرد که در مجموع قواعد تدوین‌شده حاضر پاسخگوی شکاف‌های موجود در عرصه حمایت از اموال فرهنگی به‌ویژه در مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی نیست و نیاز به اهتمام و توسعه جدی جامعه جهانی در این زمینه به‌شدت احساس می‌شود و در این میان شاید به‌ضرس قاطع بتوان مدعی شد که کارکرد عرف بین‌المللی در این حوزه، به‌مراتب پررنگ‌تر از سازوکارهای تقنینی و تدوینی بوده است که امید است با نقش حائز اهمیت سازمان ملل و به‌ویژه نهاد تخصصی آن یونسکو و سازوکارهای پیش‌بینی‌شده در این زمینه، به این مهم جامعه عمل پوشانیده شود.

منابع

۱. فارسی

الف) کتاب‌ها

۱. راجر، اکیف (۱۳۹۵). *حمایت از میراث فرهنگی در زمان مخاصمات مسلحانه*، ترجمه سید حسام‌الدین لسانی، دانشگاه حضرت معصومه (س)، چ اول.
۲. ممتاز، جمشید؛ رنجبریان، امیرحسین (۱۳۸۶). *حقوق بین‌الملل بشردوستانه مخاصمات مسلحانه داخلی*، تهران: میزان

۳. هنکرتز، ژان ماری؛ دوسوالدبک، لوئیس (۱۳۹۱). حقوق بین‌المللی بشردوستانه عرفی، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، چ دوم، تهران: مجد.

ب) مقالات

۴. زمانی، قاسم (۱۳۹۴). «ماهیت حقوقی داعش در حقوق بین‌الملل: دولت یا بازیگر غیردولتی؟»، فصلنامه دولت پژوهی، سال اول، ش ۱، ش بهار.
۵. صمدی، یونس (۱۳۷۷). «نگاهی به کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه در مورد حفاظت از میراث فرهنگی در زمان جنگ»، ش ۲۹ و ۳۰، تابستان و پاییز ۱۳۷۷.
۶. فروغی، فضل‌الله؛ غنی، کیوان (۱۳۹۴). «جنايات جنگی علیه میراث فرهنگی در مخاصمه مسلحانه سوریه»، نشریه مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دوره ۲، ش ۴ و ۵، پائیز و زمستان.
۷. قاسمی، غلامعلی (۱۳۹۳). «حمایت از اماکن عبادی در مخاصمات مسلحانه از دیدگاه اسلام و حقوق بین‌الملل»، فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، سال اول، ش ۲، شماره زمستان.
۸. لسانی، سید حسام‌الدین (۱۳۹۴). «حمایت حقوق بین‌الملل از میراث فرهنگی و تاریخی در زمان اشغال نظامی با تأکید بر مسئولیت ایالات متحده آمریکا در دوران اشغال نظامی عراق»، مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، دوره هفتم، ش ۳، پاییز.

۲. انگلیسی

A) Articles

9. Arimatsu, Louise, Choudbury, Mohbuba (2015). "Protecting Cultural Property in Non-International Armed Conflicts: Syria and Iraq", *Stockton Center for the Study of International Law*, Vol 91.
10. Bellal, Annyssa, Giacca, Gilles & Casey-Maslen, Stuart (2011). "International Law and armed non-state actors in Afghanistan", *International Review of the Red Cross*, Vol.93, No. 881
11. Bowker David W., Goodall Laura & Haciski Rebecca A., (2016). "Confronting IS'S's War on Cultural Property", www.asil.org, Vol.20, Issue 12.
12. Cassese, Antonio (1981). "The Status of Rebels Under the 1977 Geneva Protocol on Non-International Armed Conflict", *INT'L&COMP*, Vol.30
13. Chadha, Neeru (2001). "Protection of Cultural Property During Armed Conflict: Recent Developments", available at: www.worldlii.org/int/journals/ISILYBIHRL/2001/12.rtf
14. Ili, Micaela, (2011). "The Criminalization of Offences Against Cultural Heritage in Times of Armed Conflict: A Quest for Consistency", *The European*

Journal of International Law, Vol. 22, No.1.

15. Howe, Zoe, (2012). "Can the 1954 Hague Convention Apply to Non-State Actors?: A Study of Iraq and Libya", *TEXAS INTERNATIONAL LAW JOURNAL*, Vol. 47, Issue 2
16. Kirgis, Frederic L. (2003). "Security Council Resolution 1483 on the Rebuilding of Iraq", Volume 88 Issue: 13, Available at: <https://www.asil.org/insights/volume/8/issue/13/security-council-resolution-1483-rebuilding-iraq>
17. O'KEEFE, Roger (2006). "The Protection of Cultural Property in Armed Conflict", Cambridge University Press.
18. Shaheen, Karem (2015). "ISIS gighters DestroD Ancient Artefacts at Mosul Museum", *The Guardian* (available at: <http://www.theguardian.com>).
19. Sheng, Gao (2008). "International Protection of Cultural Property: Some Preliminary Issues and the Role of International Conventions", *Singapore Year Book of International Law*, Vol. 12.
20. Toman, Jiri (2010). "The Road to the 1999 Second Protocol in Protecting Cultural Property in Armed Conflict, International Humanitarian Law Series.

B) Documents

21. Additional Protocol II of 1977, available at: http://www.redcross.org/images/MEDIA_CustomProductCatalog/m27740272_Additional_Protocol_II.pdf
22. Convention for the Protection of Cultural Property in Event of Armed Conflict, 14 May 1954 available at: http://portal.unesco.org/en/ev.php-URL_ID=13637&URL_DO=DO_TOPIC&URL_SECTION=201.html
23. Convention Concerning the Protection of the World Cultural and Natural Heritage, Available at: <http://whc.unesco.org/en/conventiontext/#Article11.4>
24. G.A.Res.281,5 (May 25, 2015) available at: <http://www.un.org/en/ga/70/resolutions.shtml>
25. 5.Rome Statute of the International Criminal Court, Available at: https://www.icc-cpi.int/nr/rdonlyres/ea9aeff7-5752-4f84-be94-0a655eb30e16/0/rome_statute_english.pdf
26. Resolutions adopted by the United Nations Security Council, Available at: <http://www.un.org/en/sc/documents/resolutions/>
27. Second Protocol to the Hague Convention of 1954 for the Protection of Cultural Property in the Event of Armed Conflict The Hague, 26 March 1999. Available at: http://www.un.org/ru/documents/decl_conv/conventions/pdf/2nd_prot_cultural.pdf

C) Websites

28. Site of Palmyra, UNESCO, Available at: <http://whc.unesco.org/en/list/23>.
29. Site of UNESCO, <http://en.unesco.org/news/security-council-adopts-historic-resolution-protection-heritage>